

# آزادی ایران ۱

بهاء: ۵ فرانک

آزاد یخواهان ایران متحد شوید

۱۳۶۳ ۲۲ نوامبر ۱۹۸۴

## وظیفه آزادیخواهان ایران چیست؟

۱- ایران به کدام سو می رود؟ جمشید آریانیپور

ششمین سالی است که از سلطه رژیم جمهوری اسلامی بر میهن ما میگذرد و برخلاف پیش گوئیهها و پیش داوریهای گوناگون هنگامیکه يك جنبش متشکله سراسری، بزرگ، آزاد یخواهانه و ملی در ایران موجود نیست، رژیم با وجود تمام مشکلاتی که با آن روبروست بحیات خود ادامه میدهد. براساس سرنوشت ایران چه خواهد شد؟ ایران بکدام سو می رود؟ اینها سوالاتی است که اکثر هم میهنان ما در اولین لحظات دیدار بانگرانی مطرح میکنند. در این میان بسیاری هم که همواره منتظرند دستی از غیب فرارسد و یا رژیم خود بخود سرنگون گردد، با دیدن واقعیتهای تلخ کنونی روز بروز مایوس تر شده، زانوی غم در بر گرفته و اغلب میگویند: "از دست ما که کاری برنی آید، قدرتهای بزرگ هستند بقیه در صفحه ۴"

## "آزادی ایران" و سخنی با خوانندگان

رویدادهای چند سال اخیر تاریخ پر از فرازونشیب ایران در سهای بس تلخ ولی گرانبهای برای مردم مستمید و دردمندان بهمراه داشته است. آنان با اندوهی بزرگ و جانکاه فرا گرفته اند که تفکر و خرد خود را باید - نه بر اساس تئوریهای میان تهی و اغراق گوئیهها - بلکه بر پایه واقعیتهای ملموس و غیر قابل انکار جامعه ایران قرار دهند.

این واقعیتهای تلخ کدامند که بسیاری از ایرانیان خارج از کشور قادر به دیدن آنها نیستند؟ این واقعیتها اینست که رژیم اسلامی با تمام مشکلات و تضادهای گوناگونی که از همان ابتدای بوجود آمدنش با آن روبرو بوده در طی ۶ سال گذشته با مهارت خاصی توانسته است روز بروز حاکمیت خویش را بر میهن ماتقویت کند. رژیم با بهره برداری از پدیده های بسیاری چون "صدور انقلاب اسلامی" و "جنگ ایران و عراق" به سرکوب و کشتار هزاران تن از زبیرترین فرزندان برومند ایران پرداخته و توانسته است با درهم کوبیدن کلیه بقیه در صفحه ۲"

## پیرامون جنگ ایران و عراق

کشته ها و مجروحین نیروهای رژیم اسلامی ۲۰۰۰ نفر زکشته است. در طی ماههای گذشته رهبران رژیم خمینی با رها اعلام کرد هاند: "قدرت نظامی ما آنچنان است که میتوانیم هر جا بخواهیم عملیات داشته باشیم. منتها به دلایلی آنرا به تاخیر انداختیم."

(رفسنجانی ۱ مهر ۱۳۶۳ روزنامه کیهان) اما همگان میدانیم که یکی از مهمترین بقیه در صفحه ۳"

آرامش موقتی که در چندین ماه گذشته در جبهه های جنگ ایران و عراق حاکم بود، در آخرین ساعات شب ۲۵ مهر ۱۳۶۳ با حمله نیروهای رژیم جمهوری اسلامی برای بازپس گرفتن ارتفاعات مرزی در منطقه میمک شکسته شد. بنا بر گزارشهای مطبوعات رژیم جمهوری اسلامی در این عملیات بیش از ۳۶۰۰ تن کشته و زخمی شدند و بنا بر اظهارات رژیم عراق تلفات

## ”آزادی ایران“ و ...

سازمانها، گروهها و افراد آزاد بخواه، ملی و مترقی جنگ کردستان را بمردم قهرمان کرد تحمیل کند و با ایجاد خفقتانی بی نظیر در تاریخ معاصر ایران زندانها را از مبارزین آزاد بخواه پسر کرده و ایران را به يك زندان بزرگ تبدیل نماید.

واقعیتها چیست؟ واقعیتها در شرایط کنونی اینست که اگر بخوایم تنها حقیقت را بگوئیم و گزافه گوئی و اغراق نکنیم باید با کمال صراحت ابراز کرد که: در مقابل رژیم ضد مکرانیک و فاشیستی جمهوری اسلامی هیچ جنبش و مبارزه سراسری، متشکل و متحدی که از حمایت وسیع مردم ایران برخوردار باشد و بتواند مبارزات مکرانیک و آزاد بخواها را رهبری کند، وجود ندارد. اکثر قریب باتفاق ایرانیان آزاد بخواه و مترقی از نبودن يك جریان و تشکل واقعا در مکرانیک که بتواند عملاً مکراسی را در رون روابط سازمانی - تشکیلاتی پیاده کند، شکوه میکنند و بیان میدارند که ”به بن بست رسیدیم“. آنکسانی هم که با امید فراوان به برخی از سازمانها و گروههایی که در راه سرنگونی رژیم مبارزه میکنند، دل بسته بودند، به آرامی بی میبندند که به یکی از اصول مهم و اساسی رشد يك مبارزه برحق عادلانه یعنی مکراسی ارج گذاشته نمیشود و میگویند ”اگرمانتوانیم روابط مکرانیک را در درون خود اجرا کنیم چگونه میتوانیم فردا این مکراسی را در ایران بوجود آوریم؟“ البته با توجه به تحولات و تغییرات اخیر که در بین نیروهای مبارز و مخالف رژیم رخ داده است و با نمونه ای از آن در مورد آقای پرویز

یعقوبی روبرو هستیم، ما پس از بحث و گفتگوی فراوان به این نتیجه رسیده ایم که چون نتوانسته ایم در راه تشکل و سازندگی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بر پایه روابط مکرانیک و آزاد بخواهان نظریات و عقاید خود را مطرح کنیم و یا اینکه مواجه با فشارهای زیاد و غیر مکرانیک و ناعادلانه ای گردیده ایم، تصمیم گرفتیم با ایجاد نشریه ”آزادی ایران“ براه خویش ادامه دهیم. البته ما دعا نمیکیم که جوابحل تمام مشکلات روزافزون را در دست داریم و یا تنها آلترناتیو هستیم و یا خواهیم شد. و ادعا هم نداریم که بتوانیم بتنهائی در شرایط کنونی بن بست موجود را از میان برداریم. ما میدانیم که حل مشکلات فراوان موجودی که جنبش مکرانیک خارج از کشور با آن روبرو است در گرو تلاش، تشکل و همبستگی کلیه نیروهای آزاد بخواه، ملی و مترقی است و همچنین میدانیم که هیچ سازمان، گروه یا فردی نمیتواند بتنهائی از عهده حل مشکلات بیشمار کنونی برآید. نشریه ”آزادی ایران“ برای آزادی ایران باتکیه بر اصول زیرمضم است که در راه رشد مبارزات مکرانیک بتواند به وظایف خطیر خود جامه عمل بپوشاند:

### ۱ - رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران است. این امر در شرایط کنونی تضاد عمده و اصلی جامعه ایران را تشکیل داده، به طوری که هر تضاد دیگری را بصورت تضاد غیر عمده و فرعی تبدیل میکند. بهمین دلیل ما باید تمام هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی و عمده بنمائیم و کوشیم با ”چپ رویها“ و

راست رویهایی که متاسفانه رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن فرعی و غیر عمده مطرح میکند و باعث عدم واقع بینی و شناخت علمی از جامعه ایران گاهی برخی از کشورهای همسایه و خارجی را دشمن اصلی قلمداد مینماید، و بدین ترتیب در دام توطئه های ایدئولوژیک رژیم میافتد، مبارزه کنیم.

### ۲ - مبارزه برای مکراسی

نشریه ”آزادی ایران“ با اعتقاد به پیروی از اصول مکرانیک در عمل و نه در شعار، مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را جد از مبارزه برای مکراسی نمیداند. این بدین معنی است که مبارزه بر علیه رژیم و مبارزه برای مکراسی لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون یکی دیگری ارزش خود را از دست میدهد. ما با احترام گذاردن به نظریات و عقاید مختلف کلیه آزاد بخواهان ایران اعتقاد داریم که تنها از طریق برخورد آرا و افکار و عقاید گوناگون در يك جود مکرانیک است که حقیقت عیان میشود و تفکر صحیح و علمی راه خود را میگذراید. بنابراین نشریه ”آزادی ایران“ محلی برای برخورد آرا و عقاید در زمینه های گوناگون خواهد بود و کوشش میشود که از هر نوع سانسور نظریات و عقاید حتی اگر نشریه ”آزادی ایران“ هم با آن موافق نباشد، جلو گیری کند.

### ۳ - جدائی مذهب از سیاست

ما معتقد هستیم که مذهب باید از سیاست جدا باشد. هرگونه کوشش برای ادغام سیاست و مذهب خواهی نخواهی در خدمت سیاستهای ضد مکرانیک قرار خواهد گرفت و مبارزات مکرانیک بقیه در صفحه ۳

## “آزادی ایران” و ...

برای آزادی ایران لطمه وارد خواهد کرد. “خوشبختانه” ما بایک نمونه برجسته منفی در این مورد روبرو هستیم و آنهم طبقاتی جلوه دادن مذهب و متا- فیزیک تحت لوای “اسلام انقلابی” و “اسلام ارتجاعی” و ادغام مذهب در سیاست و دولت از طرف رژیم جمهوری اسلامی است. ما مذهب را تریاک مردم میدانیم. حقانیت این گفته پرارزش با دیدن واقعیت‌های ایران بیش از پیش ثابت میشود. در عین حال ما برعلیه مذهب اعلام جنگ نمیکیم و مذهب را یک امر شخصی میدانیم.

### ۴- پایان جنگ ایران و عراق و ایجاد صلح

برخلاف رژیم جمهوری اسلامی که مسئله اصلی مردم ایران را “جنگ میهنی” برای نجات “میهن اسلامی” میدانند و بدینوسیله توانسته است تضادها و مشکلات درون و تحت الشعاع قرار دهد، ملت ایران خواهان پایان یافتن هر چه سریعتر جنگ است. ما جنگ ایران و عراق را محکوم کرده و سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم جمهوری اسلامی و دخالت در امور داخلی کشور - های همسایه را در جهت “صدور انقلاب اسلامی” محکوم میکنیم.

### ۵- وحدت کلیه نیروهای آزادیخواه

ما در عین حالی که از مبارزات کلیه نیروهای آزادیخواه، دموکراتیک و ملی که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی میجنگند صمیمانه دفاع میکنیم، حول واقعیت‌های ایران و اصول دموکراتیک در جهت شکل و همبستگی بین کلیه آزادیخواهان و نیروهای آگاه، مترقی و دموکرات خواهیم

کوشید. در عین حال وظیفه خود میدانیم که با انتقادات سازنده و دوستانه اشکالات و برخورد‌های اشتباه آمیز را - که به مسئله عمده و اساسی مردم ایران یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خلل وارد کرده و امر دموکراسی را جریحه - داریم نماید - بطور روشن مطرح کنیم و در حل آنان بکوشیم.

### ۶- دفاع از حقوق بشر و آزادی کلیه زندانیان سیاسی

هم اکنون ده‌ها هزار تن از آزادی خواهان ایران در زندان‌های رژیم در سخت‌ترین شرایط غیرانسانی تحت شکنجه‌های شدید روحی و جسمی قرار دارند. ما با طرفداری از حقوق بشر در ایران و محکوم کردن اعمال ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما دفاع از حقوق بشر و دموکراسی را طبقه بندی نمی‌دانیم و از حقوق دموکراتیک تمام مردم ایران بدو ارتباط طبقاتی، عقیدتی، قومی، مذهبی، اجتماعی و جنسی دفاع خواهیم کرد.

### خواننده عزیز:

نشریه “آزادی ایران” برای اصول و اهداف فوق تلاش خواهد کرد، ما امید داریم بتوانیم بسهم خود برای رشد دموکراسی، بایاری تمام نیروها و افراد و شخصیت‌های دموکراتیک، آزادیخواه و ملی دین خود را نسبت به مردم ایران ادا کنیم. ما دست یاری را بسوی کلیه آزادیخواهان و آزادیگانی که برای بازگشت به ایرانی آزاد و دموکراتیک تلاش میکنند، دراز میکنیم.



## پیرامون جنگ ...

در لایه‌های عمیق افتادن حمله بزرگ رژیم جمهوری اسلامی نبودن امکانات کافی و نیروی عظیم انسانی از نوع مواج انسانی برای انجام این چنین عملیاتی میباشد. در غیر این صورت اگر رژیم خمینی توانایی و امکانات آن را داشت که بایک حمله بزرگ پیروزی در خور توجهی کسب کند حتماً تا بحال دست به چنین عملیاتی میزد و این ادعای رهبران رژیم که ما زهر نظرآباد هستیم، در شرایط فعلی سخنی واهی بیش نیست. رژیم جمهوری اسلامی پس از تحمل شدن تلفات بشمار در آخرین حمله بزرگ خود (عملیات والفجر ۶) نتوانسته است هنوز نیروی انسانی لازم و کافی را برای انجام یک حمله بزرگ دیگر که مرتباً از آن سخن میگوید جمع‌آوری و منسجم کند. در اوایل جنگ رژیم خمینی توانست با تبلیغات وسیع و استفاده از جوخه‌فغان تا حدی از توهم مردم سوءاستفاده نمود و پسیناری از سرمایه‌های انسانی را برای حفظ بقای خود به کام مرگ بفرستد. در آن هنگام بسیاری از هموطنان مانه بعلت حفظ “جمهوری اسلامی” و یا “صدور انقلاب اسلامی” بلکه بدلیل حس وطن پرستی و دفاع از ایران عازم جبهه‌های جنگ گشتند اما خیلی زود حقایق بیشمار به آنان ثابت نمود که این جنگ، جنگ برحق و عادلانه‌ای نیست و رفتن به جبهه‌ها نه دفاع از ایران بلکه در جهت تثبیت رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد. آنها دریافتند که جنگ عادلانه میبایست بر علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی معطوف شود. جنگ عادلانه، جنگ مردم قهرمان کردستان بر علیه رژیم خمینی است که با وجود کشتار وحشیانه، تحریم اقتصادی،

## ♦♦♦ وظیفه آزادیخواهان

که سرنوشته ایران را بر حسب منافع و مقاصد خود تعیین میکنند. و برخی دیگر مانند بسیاری از رهبران و روشنفکران اپوزیسیون تنها چشم امید به قدرتهای بزرگ خارجی دوخته و دل در گرو "تجزیه و تحلیلها" و روابط پنهانی آنان بسته اند و مترصدند تا بدین ترتیب بتوانند گره های کور و پیچیده جامعه ما را با زکرت دولت ایران را با یک گودتای سریع نظامی و بدون خونریزی و یا تغییرات و تحولاتی از بالا، از چنگال فاشیسم مذهبی نجات داد و آزادی را برایشان به ارمغان آورند. نکته ای که قابل توجه میباشد، اینست که این سیاستمداران و نویسندگان خارجی اکنون تقریباً همگی به ضعفها و اشتباهات فراوان خود در مورد عدم شناخت از شرایط ویژه ایران پی برده و بدرستی و بارها خاطر نشان نمودند که مسایل ایران را هرگز درک نکرده و بهیچوجه نتوانسته اند شناخت صحیحی از اوضاع بفرنج و پیچیده ایران ارائه دهند. بطوریکه آقای ویلیام سالیوان (۱) سفیر سابق آمریکا در ایران در مقدمه کتاب "ماموریت در ایران" میگوید:

"ولی آنچه یزی که آخرین ماموریت مرا از ماموریت های پیشین متمایز میسازد عدم توانائی من در تأثیر اساسی و اعمال نفوذ در محل ماموریتم در تعیین خط مشی سیاسی و اشتگتن بود. من تاکنون همه دلایل و عواملی که موجب شکست سیاهی آمریکا در ایران شده است را درک نکردم." (۲)

و یادربخش ۲۱ کتاب میگوید:

"شاه بزودی درک نمود که آمریکا نه تنها طرح و برنامه ای ندارد، بلکه فاقد یک سیاست مشخص و حساب شده ای در ایران است. سیاست ما در ایران حاکی از خوش خیالی و زهنیگری برخی رهبران آمریکا بود." (۳)

گفتار صریح فوق بدرستی خاطر نشان میسازد که سیاستمداران و تحلیلگران خارجی با دارا بودن از امکانات وسیع سازماندهی عریض و طویل تحقیقاتی و جاسوسی قادر نبودند حتی بطور نسبی هم که شده واقعه های ایران را درک کنند. سوالی که مطرح میشود اینست که آیا واقعه میتوان از تحلیلگران و سیاستمداران خارجی انتظار داشت که از دور درباره اوضاع کشوری که دارای تضادهای بیشمار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است نظرسائب و صحیحی ارائه دهند؟ وقایع اخیر چند ساله ایران نشان میدهد که اکثر قریب به اتفاق ارزیابی های تحلیل

گران" خارجی اشتباه آمیز بود و آنان نتوانسته و نه خواهند توانست اوضاع و شرایط ویژه ایران را مورد ارزیابی صحیح قرار دهند. گوا اینکه موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران بگونه ای است که تنها با بررسی صحیح و واقع بینانه از واقعیت های ایران و منطقه و اقدامات لازم میتوان از بروز یک فاجعه بین المللی جلوگیری کرد.

### ۲- آزادیخواهان ایران کیستند و چه نقشی را بر عهده دارند؟

باید یاد آور شد تا هنگامیکه آن تئوری صحیح و علمی که منطبق بر واقعیت های جامعه ایران باشد تدوین نگردد، تا بسویه آن راه مبارزات متشکل و گسترده کنونی روشن شود، امکان پذیر نیست که رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شده و آزادی و مکرسی در ایران مستقر گردد. در هنگامیکه در درون اپوزیسیون نفاق، پراکندگی، چند دستگی در بالاترین حد خود بصورت گروهها و نشریات مختلف متبلور گردید و برخی خود را بعنوان "تنها آلترناتیو" مطرح کرده اند و سردرگمی و اغتشاشات بیشمار را بدلیل ژئوپولیتیک و موضع گیریهای متضاد و غلط همه جا سایه افکند، چگونه بسنجیم که حق با کیست و آزادی خواه کدام است؟ چگونه میتوان صف آزادیخواهان واقعی را از صف فرصت طلبان، عوام فریبان، متعلقین سیاسی و عاملین نفوذی خارجی تشخیص داد؟ امروز در حالیکه همگان خود را آزادیخواه و معتقد میدانند و خوشبختانه تئوریهایی بسیاری هم داریم چه کسانی میتوانند و باید مسئولیت خطیر تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق شرایط بفرنج و پیچیده ایران را بر دوش بیاورند و از انشاء نویسی و فلسفه های ذهنی، متظاهرانه و عوام فریبانه روشنفکران قلبی - بعهد گیرند؟ بر راستی اینان کیستند؟ اینان همان کسانی هستند که عشق به راستی، آزادی و انائی دارند و همواره در جستجوی حقیقت بوده و حاضرند با زیر پا گذاشتن منافع شخصی خویش در راه آزادی و استقلال ایران با تمام نیرو مبارزه کنند. آنان مانند تمام آزادیخواهان ایران هرگز از فد کردن جان خود در راه آزادی و مکرسی و عدالت اجتماعی دریغ نداشته و آزادیخواهی را نه در شعار بلکه در عمل از طریق مبارزات د مکرانیک امکان پذیر میدانند. آنان در شرایط مشخص و

## ♦♦♦ وظیفه آزادیخواهان

لموس وزند ه جامعه ایران زندگی کرد هود ر تماس نزد يك با مرد مبود هود ردهای بیشمار ملت رابا گوشت پوست خود لمس کرد هاند و از مشکلات پیچیده و عوید ه جامعه آگاهند . آنان هرگز در جستجوی مقام و جاه طلبی های شخصی نیستند و چه بسا گمانند . ولی هم اینان هستند که دلپایشان در تب و تاب آزادی ایران و مردم ستم دیده اش میطپسد و دارای اعتقادات عمیق آزادیخواهانه ، ملی و مترقی میباشند و باید مسئولیت و وظیفه سنگین تجزیه و تحلیل و سررسی دقیق شرایط ویژه ایران رابعهد ه بگیرند و سرنگونی رژیم رانه با شعار یکه با اندیشه صحیح ، علمی ، روشن و عملی فراهم آورند . وهم اینان هستند که در راه وحدت بین نیروها ، افراد و شخصیتهای آزادیخواه و دمکرات تلاش میکنند و میدانند مبارزه در راه آزادی ایران بدون اتحاد کلیه آزادی - خواهان راستین - که عمیقاً معتقد به اصول دمکراتیک هستند - امکان پذیر نیست و سرنگونی رژیم رایک گروه ، سازمان ، حزب و یا یک شخصیت سیاسی نمیتواند ، فراهم آورد .

### ۳- انتقاد و اطلبانه و نتیجه گیری صادقانه

ولی تا بدین جایی از صورت مسئله راکفته ایم ، نیم دیگر اینست که چگونه ! تاکید میکنم چگونه میتوان به تجزیه و تحلیل مسایل بیشمار و گوناگون ایران پرداخت ؟ آیا میتوان در پشت درهای بسته باتنی چند از " دوستان و رفقا " جدا از مبارزات عملی و دمکراتیک به اندیشه صحیح و راهگشا دست پیدا نمود ؟ آیا با طرح برنامه های ذهنی و غیر دمکراتیک که ریشه در واقعیات ایران ندارد و از درون مبارزات عملی و عینی بیرون نیامده میتوان راه پرپیچ و خم ، تاریک و پراز پرتگاهی که در مقابلمان قرار دارد روشن نمود ؟ همانگونه که همه میدانند - سالیان سال است که " روشنفکران " خارج نشین تزهسا و تئوریها و برنامه های بسیاری ارائه داده اند ولی آیا توانسته اند کوچکترین راه حل عملی نشان دهند ؟ آیا خواننده عزیز رهبران کنگد راسیون ، گروهها و سازمانهای بسیاری که در دوران شاه در خارج از کشور با دادن تزهسا ، تئوریها ، برنامه ها و نشریات و کتب بیشمار " رهبری انقلاب " رابعهد ه داشتند بیاد میآورد ؟ هنگامیکه دشمنان پشت پرده ایران دامگستردهای راتحت لوای " جمهوری اسلامی " فراهم کرده

بودند ، نقش تئوریها و برنامه های بسیار آنان چه بود ؟ نتیجه مبارزات رهبران " ضد امپریالیست " بکجا انجامید ؟ آیا آنان جرات میکنند صادقانه در مقابل ملت ایران که هم به گذشته خویش بنگرند و از شرایط دمکراتیک کنونی در خارج از کشور بهره جسته و به جمع بندی از روابط غلط و سراپا اشتباه خود بپردازند ؟ نشریه " پیام آزادی " ارگان " شورای متحد چپ " در مقاله ای تحت عنوان " گفتگوی با دکتر کشاورز " با اندوه فراوان و صمیمانه در نتیجه گیری از روابط گذشته می نویسد :

" این نکته شایان تذکار است که سیاستمداران ما ناسفانه از هر فرقه ، قشر ، طبقه و سازمانی باشند هرگز حاضر به انتقاد از خود و گذشته سیاسی خود نیستند و تمام ناکامیها و شکستها را ناشی از استبداد شاهنشاهی و اخیراً آخوندیسم قلمداد میکنند و یا اگر به اشتباهات اپوزیسیون اشاره کنند ضمن سلب مسئولیت از خود ، آنرا به رقبای سیاسی خود حواله میدهند . کی بود کی بود ، من نبود مترجیع بند داعی بازی سیاسی این نوع افراد است . . . . این خود محور بینی ، خود را محور میداد وجود عالم و تاریخ قراردادن ، خود را منزه و بی عیب و نقیص دانستن و جلوه دادن ، از آن نوع بیماریهای مهلکی است که بدبختانه دامن گیر اکثر شخصیتهای سیاسی جامعه ماست و این واقعاً جای بسی تاسف است . یکی از عوامل عمده رشد فرهنگ و آگاهی سیاسی برخورد صادقانه و جسورانه به گذشته سیاسی خود است . . . پس چه باک از این که از عان کنیم در گذشته به این و یا آن دلیل در چارارزیابی نادرست شده و اشتباه کرده ایم . . . . متاسفانه در نامه آقای دکتر کشاورز این نقطه ضعف اساسی بچشم میخورد . " ( ۴ )

نویسند هم محترم مقاله سپس با آوردن نقل قول از نامه دکتر کشاورز که میگوید :

" من در پاریس بدیدن خمینی نرفتم و حتی پس از ۲۲ - بهمن به ایران نرفتم و بیش از ۳۲ سال است که در مهاجرت زندگی میکنم . . . . " مینویسد :

" در اینجا ایشان علت امتناع از بازگشت به ایران را به ویژه در زمانیکه هنوز زسرنوشت جامعه معلوم نبود و میلیونها تن از مرد و جوانان کشور در صحنه سیاسی حضور داشتند و برای مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران حاضر به هرگونه جانبازی و فداکاری بودند توضیح نمیدهد . آقای کشاورز نمیدانند که در آن هنگام پس از قیام هزاران جوان مبارز ولی بدون تجربه

# آموزش عالی

- ۹- ضد انقلاب فامیل خود را نام ببرید .
- ۱۰- ۲ یا ۳ نفر از افراد "مکتبی و مومن" که معرف شما باشند ، نام ببرید .
- ۱۱- به چه انتخاباتی رای داد اید ؟ ( همراه با فتوکپی صفحات شناسنامه )
- ۱۲- از اقوام رجه‌یک شما چه کسانی در خارج از کشور به سر می‌برند ، کجا ، به چه مدتی و به چه منظوری ؟
- ۱۳- محل تحصیلات خود را از دوران ابتدایی تا بحال با ذکر شهر و مدرسه و منطقه مربوطه بنویسید .
- ۱۴- آدرس محل زندگی خود را همراه با کروکی مشخص نمایید .

## تحقیق

بعد از مرحله برگردن پرسشنامه بر مبنای جوابهای داد شده ، تحقیق وسیعی از محل زندگی ، محل کار و محل تحصیل افراد شروع میشود . این مرحله برای عوامل و مزدوران رژیم از جهت شناسایی هویت سیاسی دانشجویان دارای اهمیت بسیاری است و افراد انجمنهای اسلامی ، بخش اطلاعات و جاسوسی کمیته‌ها و سپاه و مساجد فعالیت شنیدنی را برای جلوگیری و کنترل افراد مخالف و "مشکوک" بعمل می‌آورند .

لازمه‌های آوری است که در رکنکسور امسال مرحله تحقیق به علت تضاد های درونی هیئت حاکمه و مشکلات و موانعی که در این زمینه برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی " بوجود آمد ، حذف گردید . ارائه شیوه‌های مختلف از سوی جناح های موجود ، نشانگر وجود اختلافات عمیق در سطح مقامات اجرائی است ، اما باید اضافه نمود همانگونه که میدانیم این تصمیم نیز در قیابا خطر منافع رهبران رژیم

گرفته شد هاست و گر نه تمام ارگانهای جاسوسی و اختناق رژیم بود رصد آنها را "جهاد دانشگاهی" که نقش اصلی را در "شورای مرکزی پذیرش" دارا میباشد ، همراه با سایر نهاد های اجرائی در مورد سرکوب و طرد عناصر آگاه و مترقی و مخالفین متفق القول هستند . نجفی وزیر سابق فرهنگ و آموزش عالی در مورد حذف این مرحله چنین گفت :

" این وزارتخانه معتقد است با توجه به شرایط کلی کشور و جامعه و رسیده و دانشگاه که حزب الهی حاکمیت پیدا کرده است و با توجه به وجود لچسبی که حاکم است تحقیق بصورت گذشته ضرورت ندارد... " (کیهان ۱۱/۴/۶۳)

با وجود این طرفند جدید که تبلیغ فراوان در مورد آن میشود ، همگان به خوبی میدانند که چنین تاکتیکی همی نیز کهنه شد ه و از ماهیت واقعی رژیم ، ذره ای کاسته نمیشود و بطور یقین تحقیق به شکلها دیگری و از کانالهای جاسوسی گوناگونی انجام میگردد .

## گزینش

بعد از مرحله تحقیق ، مرحله گزینش طبق جدول زیر گروه بندی شد بود :

- ۱- دانشجویان بلا مانع
- ۲- دانشجویانیکه متهم به "فساد اخلاقی" بودند و یا یک تعهد اخلاقی ثبت نام میشدند .

۳- دانشجویان مشروط که از لحاظ سیاسی بدود ستم تقسیم میگشتند ، عد های که نا آگاهانه بود عمل در " اغتشاشات " شرکت کرد هبوند و دسته های که رابطه " ضعیفی با گروهها داشته و از آنان حمایت میکردند - از افراد این گروه ، عد های ضمنی در آن تعهد اخلاقی و محکوم کردن به اصطلاح گروههای "ضد انقلاب" ثبت نام

شده ، و گروهی حکم تعلیق برایشان صادر گردید .

۴- دانشجویانیکه اخراج دائم اعلام شده و شامل هواداران گروههای سیاسی بودند در میان گروههای ۳ و ۴ عد های نیز باید خود را به ادستانی اوین معرفی میکردند و چه بسا که دستگیر و راهی زندان میگشتند . بعد از گذراندن این مراحل ، مطلب به اینجا ختم نمیشد . از بین ثبت شدهگان بعد از ترما اول دسته ای دیگر دوباره تصفیه و بمبها نه های واهی اخراج و یا تکلیف گردیدند .

در رابطه با گزینش دانشجویان در کنکور سراسری امسال ( ۶۴-۶۳ ) از تعداد ۳۵۰ هزار شرکت کنند بعد از طی مراحل

مختلف ، تنها حدود ۳۵ هزار نفر توانستند به دانشگاهها راه یابند ۳۵٪ آنها را خانواده "شهادت" و سایر افراد وابسته به رژیم ، معلولین "انقلاب" ، اعضای نهاد های با اصطلاح انقلابی مانند بنیاد شهید ، جهاد سازندگی ، بسیج ، سپاه و کمیته ها تشکیل میدهند . البته این رقم ، رقمی است که خود مسئولین اعلام کرد هاند و بطور قطع تعداد سرسپردگان رژیم به مراتب بیش از این رقم است . در مورد سایر اد و طلبان نیز نهایت درجه کوشش بعمل میآید که افراد غیر سیاسی انتخاب شوند و اد و طلبان مخالف موفق به ورود به دانشگاه نگردند .

## قوانین انضباطی و کیفیت آموزشی

غیر از موارد ذکر شده ، دانشجویان باید قوانین انضباطی شدید و مبتذلی را رعایت کنند . این مقررات در رابطه با طرز پوشش ، طرز برخورد دانشجویان در خرویسر ، طرز نشستن آنها در کلاسها و... است . بعنوان مثال یکی از مقررات



# آموزش عالی

مضحکی که در برخی از کلاسهای معارف اسلامی صورت میگیرد، اینست که نه تنها دانشجویان در ختر از پرسر جد هستند، بلکه ختران دانشجو مجبورند سئوالات خود را کتبا تحویل استاد مربوطه میدهند. در ضمن تشکیل هر نوع اجتماعی حتی تیمهای ورزشی پسران نیز منوط به اجازه و نظرسر شورای انضباطی دانشگاه است.

کیفیت آموزشی دانشگاهها بنظر زیاد فاحشی پایین بود و رژیم بعثت کمبود استادان متخصص و کاروان با مشکلات زیاد در روبرو است. اخیرا در بعضی از رشتهها دست به استخدام "استادانی" زد که تحصیلات آنان حتی در سطح دانشگاهی نیز نمیباشد. زیرا بدنبال برنامه "انقلاب فرهنگی" و با توسل به شیوههای فاشیستی مزدوران رژیم در دانشگاهها حد و چهار هزارتن از استادان آزاد یخواه را از کار برکنار نمودند. تعدادی از آنان اقدام به عده گشایی دستگیر و روانه زندانها، عدهای تبعید و تعداد بیشتری راهی دیار غربت گشته و در کشورهای مختلف آوارشده اند.

احمد کاشانی نمایند مجلس شورای اسلامی در این مورد چنین اعتراف میکند:

"از سه چهار سال پیش به اینطرف بیش از ۴۰۰۰ از اساتید دانشگاههای ما به انحای مختلف از گرد و نهد ریسم خسار ج شده اند." (اطلاعات ۱۵/۳/۶۳)

در ضمن آزمایشگاهها و کارگاهها فاقد وسایل و امکانات لازم است. در معارف اسلامی برای تمام رشتهها اجباری است. حجم رسها بسیار زیاد و کیفیت آنها فوق العاده نازل بود، هدف مجریان و برنامهریزان رژیم این است که حتی پس از عبور از "هفت خوان" موجود در دانشجویان فرصت تکان خوردن و

پرداختن بصایر مسائل راند اشتها شدند.

## تعدد مراکز قدرت

در رابطه با تعدد مراکز قدرت چندی پیش از طرف منتظری وفاتری در تمام دانشگاهها برای رسیدگی به شکایات و سئوالات دانشجویان دایر شده که عملا در بسیاری از موارد خود این نمایندگان اعتراف به نداشتن قدرت در مقابل "خط امامیها" میکنند که در پشت پرده سرخ تمام جریانات را در دست دارند و از قدرت و حمایت بسیاری برخوردارند. در مورد "پیوند حوزه و دانشگاه" و نقش روحانیت و حضور آنان در دانشگاهها شواهد و دلایل بسیاری از اختلافات عمیق بین مقامات دانشگاهی و جناجهای مختلف در دست است. که ناشی از تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیریها و خالت و تدخل این امور در یکدیگر است و مدیریت دانشگاهها بسیار ضعیف و فاقد کارآیی و عاجز از انجام امور مربوطه میباشند.

در خالت "جهاد دانشگاهی" و "شورای عالی فرهنگ" رقابت و درگیری جناحهای موجود در رهبری سبب تشدید اختلافات و تصفیه های متمادی میگردد. (برکناری نجفی وزیر آموزش عالی سابق جد از این دستمندی ها نبود است.)

ضایعات عظیم فاجعه "انقلاب فرهنگی" بسیار است و بازگشایی دانشگاهها نیز با توجه به معیارها و موازین یاد شده جز در خدمت اهداف رژیم اسلامی نمیتوانند باشد. زیرا آموزش عالی در چنین شرایطی در کشور ما به تنهایی امری که معطوف نیست، امر پرورش جوانان و متخصصین است. چنانچه فاقد صلاحیت و امکانات لازم بود و بایه واقعی افکار و اعمال گردانندگان آن چهل

ونادانی و تعصبات خشک است که آنها را متکی بر استبداد مطلق و روابط ضد بشری است. هاشمی رفسنجانی نیات واقعی رژیم را در این زمینه عیانتر میسازد، هنگامی که میگوید:

"جمهوری اسلامی تنها افرادی را به دانشگاهها راه خواهد داد که حزب الهی باشند و در خدمت تدویر رژیم اسلامی عمل نمایند."

م - بهزادی



## قافله بیدار شو!

شب سیاه،  
راهی دراز  
بنیابانی بیکران  
دلی گرفته  
نگاهی منتظر  
چشمان گریان  
رنجی بی انتها  
دردی عمیق  
عشقی عظیم  
انتقایی بزرگ  
سوختم، سوختم  
من بیقرار  
و

سرنوشت تو  
در دست دشمنان  
بیرحم و سخت  
بانیرنگشان  
آه...

قافله بیدار شو، بیدار!

آذر رخس

پاریس ۸/۵/۱۹۸۲

## ♦♦♦ وظیفه آزاد بخوانان

اطلاعات کافی در برابر آرد سته کیانوری که بساط عوام فریبی پهن کرد نبودند، بی یار و یار ایستاد و سخت نیازمند حضور افرادی مانند ایشان بودند تا در باره وقایع تاریخی و گذشته حزب تود مهشهادت بر خیزد و آنها را از کزروی و گمراهی و سقوط در دامن حزب تود مبرهاند. اما این جوانان وقتی در مقابل نظرات رهبران حزب تود مهسخنان شما استناد میکردند و با آنها مخالفت می ورزیدند، پاسخ کیانوری به آنها این بود که در کترکشا و رزاهل عمل و مبارزه نیست و در فرنگستان جا خوش کرد هاست و شما بیهوده سینه چاک میدیدید. همین و بس. حال از اتهامات کیانوری که بگذریم بقول خود ایشان "۳۲ سال دوری از محیط ایران" یعنی از میدان اصلی مبارزه در و ره کوتاهی نیست، همه ما بخوبی میدانیم و پوست و گوشت خود لمس میکنیم که زندگی در مهاجرت مکانیسمها و قانونمندیهای ویژه ای دارد که میتواند منجر به بسیاری زهنی گریها، پیشد اورپها و حتی داورپهای نادرست و پیدایش نوعی بیگانگی نسبت به زندگی واقعی مردم را بران بشود. . . . این واقعیت تلخ و دردناک راهنگا پرازگشت به وطن بخوبی احساس و تجربه کردند. (۵)

این بیان تاسف بار انگشت به نقطه حساسی میگنارد که نمونه مشتق از خوارها و واقعیت روابط غلط روشنفکران صادر گذشته و حال است. البته بسیار زبید و منطقی است که آقای کشاورز سایر رهبران به سوالات حساس ایشان جواب گویند. ولی دوست نویسند "پیام آزادی" نمیگویند که اگر "هبران بر تجربه" نخواستند و یا نتوانستند به این امر مبارت و رزند، آهنگام چه باید کرد؟

آیا هر کدام از تک روشنفکرانی که دارای تجربه های کم و بیش مختلف سیاسی هستند نباید مسئولیت این نتیجه گیری را با کمال صداقت و درستی خود بعهده گیرند و در انتظار بیمه و نپاشند تا شاید آنکسانی که نخواسته و نتوانستند درهای بسته را در طی سالیان دراز بکشایند حال به انجام این عمل بپردازند؟ ولی ضمناً این نکته را نیز نمیتوان فراموش کرد که انسان نباید واعظ نامتعظ باشد. چه نیکوست اگر همانگونه که ما از آقایانی چون کشاورزها انتظار داریم با ادای دین انقلابی و عطی به وظیفه تاریخی شان عمل کنند (۶) و شاید این انتظار بزودی سرنیاید، بهتر است هر فرد، شخصیت، سازمان و گروهی خود را در مقابل ملت ایران مسئول ببیند و کمر همت بندد و بیخود متکی گردد، شهامت و

جسارت نشان دهد و مانند هر موجود و حرکت زند هود رحال رشدی اشکالات گذشته و حال را عیان کند و سهم خود در این راه و با عمل خویش پیش قدم شود تا بتوان باز و دن کثافات و تیرگی های که سالهاست مانع اند یسیدن آزاد و آزاد بخواننده شد به راه درست قدم گذارد. متاسفانه ما ایرانیان عادت نداریم اشکالات و انتقادات خویش را که خوبی و بیش از هر کسی از آن مطلع هستیم بطور طبیعی و داوطلبانه مورد ارزیابی قرار دهیم. ولی جبر زمان و سیر تحولات تاریخی - اجتماعی خواهی نخواهی ما را مجبور خواهد کرد تا به شدید ترین وجهی بسا نتیجه اعمال و برخورد های خود روبرو شویم و آنچه را که در زندگی سیاسی - اجتماعی کاشته ایم بد رویم.

البته مسئله برد مپوشی و پنهان نمودن اشتباهات و خطاهای که رهبران و روشنفکران ما به آن روبرو هستند دیگر تقریباً بصورت يك سنت غلط و مشکل اساسی و فامض در آمده و واقعاً بندرت میتوان يك تن از رهبران و روشنفکران و یا شخصیتهای سیاسی را پیدا کرد که گذشته سیاسی خود را مورد انتقاد صادقانه قرار دهد. متاسفانه در طی قریب نیم قرن گذشته این مسئله بزرگ بصورت چرکهای در آمده که روی پوست بدن سالها طبقه طبقه پوشانده و تا این چرکها در آب زلال و بر حرارت د مکرسی و آزادی خیس نخورد و پاکیسه زیر انتقاد روبرو نگردد، ماهرگزن نخواهیم توانست کوچکترین قدمی را در راه آزادی ایران برداریم. بیاییم صادقانه صحبت کنیم! برآستی اگر ما سابقه یکایک گروهها، سازمانها، احزاب و افراد سیاسی جامعه خود مان را مورد بررسی قرار دهیم، آیا با يك نمونه پرارزش و ریشه های از برخورد های انتقادی و همه جانبه گذشته سیاسی روبرو میشویم؟ آیا خواننده عزیز میتواند بسا صراحت به این سوال جواب گوید و يك نمونه در این زمینه را نشان دهد؟ نیم قرن مدت کمی نیست! قبل از زوی کار آمدن رژیم برخی شاید میتوانستند دلایل "موجهی" را برای عدم حل این مشکل بزرگ ارائه دهند. ولی در طی ۶ سال گذشته چطور؟ آیا هنگامیکه شاه ایران راترك کرد، یکایک افراد، نیروها و سازمانهای مختلف چه سیاستها و روشها و موضع گیریهای را در حل مشکلات روز افزون و بیشتر جامعه ایران ارائه دادند؟ مواضع آنان در قبال رژیمی که از همان ابتدا هدف و برنامه اش نابودی د مکرسی و آزادی و ایجاد يك جامعه مذهبی - فاشیستی بود، چه بود؟ آنان در قبال



## ♦♦♦ وظیفه آزاد ی خواهان

اشتباهات، کج رویها، "چپ رویها" و راست رویهای گذشته بزدلانه و آنهارا بد و نترس و وا همه عیان کنند.

### یادداشتها

۱- ویلیام - اچ - سالیوان - آخرین سفیر کبیر آمریکا در ایران از ژوئن ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۹ بود. سالیوان در هنگام ماموریتش در ایران تابع سیاستهای سازشکارانه سیروس ونس وزیر خارجه وقت آمریکا در جهت حمایت از استقرار رژیم جمهوری اسلامی بود. سالیوان در کتاب "ماموریت در ایران" میگوید: "در نوامبر ۱۹۷۸ طی گزارشی به واشنگتن تحت عنوان "اندیشیدن به آن چیزی که نمیتوان اندیشید"، بعضی از نظرات اساسی و تغییرات آنرا درباره ایران مورد بررسی قرار دادم. برای مثال خاطر نشان کردم که بر اساس آگاهی و تعقل موجود، ثبات گذشته ایران همواربرد و پایه سلطنت و مذهب شیعه استوار بود است. در پانزده سال گذشته استحکام پایه سلطنت موجب برپانگاهد اشتن کشور بود ولی اکنون که پایه سلطنت متزلزل گردیده است، چاره‌ای نیست مگر اینکه این ثبات با محکم نمودن پایه مذهب تائین گردد. . . . خطوط اساسی پیشنهاد من بر این امر استوار بود که برای پایان بخشیدن به بحران کنونی در ایران و استقرار یک نظم نوین میبایست سازشی بین نیروهای مسلح و مذهبی بوجود آید و برای انجام چنین مصالحه‌ای نفعتمشاه بلکه دیگر فرماندهان و افسران ارشد نیز باید کشور را ترک کنند. . . . نظرم این بود که رهبری مذهبی و شخص خمینی ممکن است یک چنین برنامه‌ای را قبول کند. . . . و این از نقطه نظر مارا حلی رضایت بخش است." ص ۲۰۱ و ۲۰۲ نسخه انگلیسی

۲- همانجا صفحه ۸

۳- همانجا صفحه ۲۲۶

۴- پیام آزادی شماره ۲۱ مرداد ۱۳۶۲ صفحه ۱۸ و ۱۹

۵- همانجا صفحه ۱۹

۶- همانجا صفحه ۱۹



مسائل مختلف ایران، "حکومت ۳۷ روزه بختیار" روی کار آمدن بازرگان، تسخیر سفارت آمریکا، "رهبری دانشجویان پیرو خط امام"، سقوط دولت بازرگان، جنگ ایران و عراق، "انقلاب فرهنگی"، سرکوب، اعدام و کشتار آزاد ی خواهان و نیروهای مترقی چه مواضعی را اتخاذ کردند؟ چه گفتند و چه نوشتند؟ و امروز چه میگویند و چه مینویسند؟ آیا میتوان همه اینها را فراموش کرد؟ متاسفانه هر فرد، گروه یا سازمانی مهارت عجیبی پیدا کرده که سوابق گذشته سیاسی خود را بری از انتقاد جلوه دهد و تمام هم خود را بکار میبرد تا اشتباهات و انتقادات گذشته را بپوشاند. اکثر همه به این بیماری مبتلا هستیم. و همهمه و استثناء مواضع سیاسی و اعتقادی خود را بارها و بارها تغییر دادیم و هر روز به رنگی در میآئیم. بسد و اینک علت این تغییر مواضع را برای مرد روشن کنیم. روشن - فکران و رهبران ما در خوابند و نمیدانند که مرد سخنهای گذشته و مواضع سیاسی تک تک افرادی را که ادعای رهبری دارند، بدقت مورد ارزیابی قرار میدهند و انسان نمیتواند هر چند رهم زبانی و مهارت بخرج دهد از آن کند که گذشته‌ای وجود نداشته و مانند کبکی که سرد ربرف فرورده انکار کند که چنین مواضعی از جانب وی در گذشته اتخاذ نشد است. ما اکنون در شرایطی بسر میبریم که مرد مهوشیار شد هاند و کسی را نمیتوان با شعارها و سخنان بی محتوی برای مدت زیادی فریب داد. بنابراین محال است روشنفکران مابعد و بعد و بر سر د ا و طلبانه از گذشته سیاسی خود و مداوای بیماریهای مختلفی که بدانها اشاره شد، بتوانند در مسیر صحیح مبارزات و مکرانیک قرار گرفته و با تکابه حقیقتی که بر اساس واقعیات ایران استوار است، در راه آزادی ایران گام بردارند. این اولین قدم در راه طولانی و پر پیچ و خمی است که هر آزاد ی خواه خواهی نخواهی میبایست طی کند. چه نیکوست که این اولین قدم را د ا و طلبان نبرد اریم و آموختن از سرنوشت کسانی که هرگز به این امر مهم مبادرت نورزیدند، در مقابل مرد مایران کمر همت به انتقاد از خود و نتیجه گیری صادقانه از گذشته سیاسی خویش برینندیم. زیرا این یک امر شخصی و کوچکی نیست که بتوان با زرنگی و آرای از کسارش گذشت، آزاد ه و آزاد ی خواه بود و در سیزی نیمون ه، ناشناخته، بزرگ و صعب العبور قدمه پیش گذارد و راه را گشود. تنها آن کسانی میتوانند در این راه قدمه بگذارند که خود را از زنگار

## پیرامون جنگ ♦♦♦

فشارهای گوناگون، بمبارانهای مناطقی مسکونی، کوچهای اجباری و... از جانب رژیم خمینی، همچنان به مبارزات برحق خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهند. البته مخالفتها و نارضایتیهای مردم از جنگ سبب گردیده است که اکنون رژیم نتواند همانند گذشته به تجهیز نیروی کافی برای ادامه جنگ بپردازد. در طی این مدت سردمداران و شعرویسینهای رژیم منتهای کوشش را بکار بردند تا باینکه توطئه دیگر مردم را فریب دهند. بهمین دلیل تاکید نمود و بیان کردند که تنها شرط برای اتمام جنگ سقوط صدام و "حزب بعث عراق" میباشد و بدین ترتیب عملاً تمام راههای سالمیت آمیز برای حل بحران جنگ و پایان دادن به آنرا بسته و ادامه جنگ را تنها راه گریز از این بحران میدانند. رفسنجانی در این مورد چنین بیان میکند: "اگر مایک یاد و ضربه کاری وارد کنیم و آنها بفهمند که میتوانند پیش برویم آنوقت آنها بی که صد امرانگه داشته اند به فکر آن خواهند افتاد که این غائله را زودتر ختم کنند. آنها امید دارند که این جنگ سه نفع ما تمام نشود و این امید را فقط بسا ضربه نظامی میشود از دل آنها خارج کرد و من فکر میکنم قبل از اینکه ما بمفداً برسیم مسئله حل خواهد شد."

(۱۱ مهر ۶۳ کیهان)

اما ببینیم رژیم جمهوری اسلامی چرا و به چه انگیزه‌های همچنان در ادامه جنگ مصراست؟ با وجود آنکه بارها هیئت‌های مختلف برای میانجیگری و برقراری آتش بس بهد و کشور ایران و عراق سفر کرده اند و رژیم عراق همواره تمایل خود را برای صلح و مذاکره ابراز داشته است، در شرایطی که ادامه جنگ خطر بزرگی برای تمام منطقه و

صلح جهانی و بشریت محسوب میشود، در شرایطی که جنگ بخش عظیمی از بودجه کشور را به خود اختصاص داده و باعث گشته که مردم در وضع بد و اسفناک اقتصاد بی‌سرپرند و موج مخالفت با جنگ به اوج خود رسیده است - و در این مورد حتی بین جناحهای مختلف در درون حاکمیت اختلافات عمیقی وجود داشته و دارد - باید در یابیم که در ریس مسئله جنگ چه منافع حیاتی نهفته است که رژیم به هر ترتیب و با سرسختی آنرا ادامه میدهد. اعترافات رهبران رژیم در این مورد گویاترین نمونه میتواند باشد.

خانهای رئیس جمهور رژیم چنین اظهار میدارد:

"مسئله تاج و عراق به مرزهای ماکسدر حقیقت تاج و زبانه اسلام و انقلاب و مساله‌ای است که اگر ما پاسخ قاطع خودمان را به آن ندیم رژیم جمهوری اسلامی تضمینی برای ماندن ندارد." (کیهان ۱۱ مهر ۶۳)

رفسنجانی نیز در پی حمله‌ای که برای آزاد کردن ارتفاعات میمک به عمل آمد بود چنین گفت:

"حمله ما دارای ماهیت سیاسی است هدف ما گرفتن یک قطعه زمین در خاک عراق نیست. ما حمله‌ای می‌خواهیم بکنیم که کار عراق را یکسره کرده و کار حزب بعث را تمام کنیم و کشورهای منطقه بید از همین در حرکت کوچک پند بگیرند و دست از حمایت از این مزدور جهانی بردارند تا در کنار ما در امنیت زندگی کنند که در آن صورت ناامنی فقط برای اسرائیل خواهد بود." (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۳)

ماهیت رژیم ضد انسانی خمینی که بدون اتکا به قدرت‌های خارجی لحظه‌ای نمیتواند به روی پای خود بایستد، جز تاج و زهرج

مرج، کشتار و نابودی انسانها، تهدید و دخالته در امور کشورهای دیگر و اعزام تروریست به کشورهای مختلف و... نمیتواند باشد و تنها هدفش نیز از ادامه جنگ بقای رژیم خود، ایجاد آشوب و تشنج و وجود آوردن رژیمهایی از نوع "جمهوری اسلامی" در منطقه میباشد.

اما رژیم خمینی چگونه و با چه شتوانه‌های چنین جنگ پیچیده‌ای که در آن انواع و اقسام سلاحهای پیشرفته بکار میرود، را ادامه میدهد؟ آیا حکومت خمینی بنا بر اظهارات رهبران "مستقل" است و میتواند به تنهایی چنین جنگ پیچیده‌ای که سلاحهای مخرب و پیشرفته‌ای در سطح وسیع آن بکار گرفته میشود را ادامه دهد؟ چندی پیش موسوی نخست وزیر رژیم در قسمتی از مصاحبه خود با خبرنگاران داخلی و خارجی چنین بیان میکند:

"در نظام ارزشی انقلاب ما نفوذ هر یک از ابرقدرتهای جهانی شده است. ما میخواهیم مستقل باشیم و تاکنون نیز ثابت کردیم که میتوان بدون وابستگی به شرق و غرب با مشکلات مقابله نمود."

(۷ مهر ۶۳ کیهان)

و یاد رجای دیگر میگوید:

"رژیم جمهوری اسلامی مستقل‌ترین کشور جهان است."

واقعیات و حقایق بی‌شمار نشان میدهد که گفته‌های رهبران رژیم شمارهای توخالی بیش نیست. رژیم کپایه و اساس بقای حکومت خود را از یکطرف در نابودی آزادی و مکراسی قرار داده و از طرف دیگر با تاراج دادن نفت در بازارهای آزاد - به تامين بودجه نظامی خود پرداخته و از هر نظر وابسته به قدرت‌های خارجی است،

## پیرامون جنگ ♦♦♦

چنین رژی می هرگز نمیتواند مستقل و متکی به خود باشد. نمونه ای روشن از روابط اقتصاد ری رژیم براد ر رابطه با کشور اسرائیل میتوان مثال زد. در حالیکه سردمداران رژیم با بوق و کرنا ی فراوان در دام مبارزه با اسرائیل میزنند و بارها بیان کرد ه اند که: "سقوط صدام در منطقه خیلی اثر دارد، یعنی نجات منطقه از نظر مابسه سقوط صدام بستگی دارد. اولین اثرش این است که یکپارچگی برای مبارزه با اسرائیل بوجود خواهد آمد و جنبه شرقی مبارزتها اسرائیل آنچنان نیرومند میشود که من فکر میکنم بعد از عراق نوبت اسرائیل میباشد." (رفسنجانی ۱ مهر ۶۳ کیهان)

و یا "ما سعی میکنیم که همه نیروهای خود را بسیج نماییم تا حرف آخر را برای نابودی آمریکا و اسرائیل بزنیم." (رفیق دوست ۱ مهر ۶۳ کیهان)

اما واقعیات عملکرد های رژیم خمینی عکس شعارهای به اصطلاح ضد امپریالیستی آنها میباشد. در حالیکه رژیم ام آزادی قدس، اخراج اسرائیل از سازمان ملل، نابودی اسرائیل و... میزند، مدتهاست که بر همگان عیان گردید که چگونه با اسرائیل قرارداد های پنهانی خرید اسلحه بسته و از آن کشور اسلحه دریافت کرد ه است و همچنین میدانیم که اسرائیل در اوایل جنگ ایران و عراق تاسیسات اتمی کشور عراق را بمباران کرد و در واقع از این طریق عملا با رژیم ایران در بحبوحه جنگ همکاری نمود. و از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی قرارداد های بیشمار خرید اسلحه را با کشورهای مختلف بصورت محرمانه منعقد مینماید. بنابراین همانگونه که می بینیم رژیم با تکیه بر حمایت قدرتهای خارجی و دریافت سلاحهای

مختلف است که این جنگ را ادامه میدهد در شرایطی که رژیم خمینی با عمد و اوصالی قرارداد ان مسئله جنگ به ایجاد جو خفقان و سرکوب دست زد و به تحکیم نهاد های حکومتی خود پرداخته و با مطرح نمودن شعارهای د روفینی چون "جنگ ملی و میهنی" "جنگ برحسق و عادلانه" "جنگ اسلام بر علیه کفر" راه قدس از کربلا میگذرد" و... یکسوی از بیرحمانه ترین و ناعادلانه ترین جنگها را در منطقه برپا نمود و به شدت تمام آنرا ادامه میدهد، وظایف آزاد یخواهان چه میتواند باشد؟!

یکی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای آزاد یخواهان ایران در هم شکستن توطئه ها و نیات پلید رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ایران و عراق است. متأسفانه هنوز هم اینجا و آنجا، نیروها و افرادی وجود دارند که در دام شعارهای پوچ و تو خالی رژیم خمینی در غلطیده و این جنگ را جنگ "ملی و میهنی" قلمسدا ر می نمایند و پس از ۴ سال بی به توطئه های رژیم برورد و با منافع آنها ایجاب نمیکند که حقایق را ببینند. در صورتیکه مردم ستم دید و به تنگ آمد ه از جنگ، جنگی که جز تباهی، نیستی، آوارگی، مرگ و... چیز دیگری به ارمغان نیاورد، در شرایط وجود خفقان حاکم بر کشور، بارها در مناطق جنگ زد متظا هرات ضد جنگ برپا نمود و خشم و انزجار خود را از ادامه جنگی که به تشبیت رژیم کمک میکند، نشان داد ه اند.

در طی بیش از ۴ سال گذشته در حد و دیک میلیون تن در اثر این جنگ کشته و مجروح شد ه اند و تعداد کثیری اسیر و معلول جنگی وجود دارد و همچنین

در حد و ۲ میلیون نفر از هموطنان ما از خانه و کاشانه خود آوار شد ه و در وضع بسیار بد و اسف باری زندگی میکنند و بعدا ر جامعه آمیز جنگ روز بروز وسیع تر میگردد، هنگامیکه موج مخالفتها بر علیه جنگ و حمایت از صلح روز بروز شدت مییابد و رژیم جمهوری اسلامی خود نیز از ان دارد که یکی از عوامل بقا و دوام حکومتش در ادامه جنگ میباشد و از اینکه منطقه را به آشوب کشاند و باعث هرج و مرج هر چه بیشتر شد ه و ای قدرتهای خارجی راه منطقه بکشاند هیچ ابائی ندارد، در چنین شرایطی سعی و کوشش فرد فرد آزاد یخواهان در راه خنثی کردن توطئه های رژیم و تلاش برای ایجاد صلح نقش موثری میتواند داشته باشد. نیروها و ولتهای نیز که خطر ادامه این جنگ را احساس میکنند، میتوانند با تحریم خرید نفت از نظر اقتصاد ری رژیم ایران را فلج نمود و با عدم ارسال سلاحهای جنگی به منزوی تر کردن رژیم در سطح بین المللی کمک نمایند. نتایج چنین اعمالی مسلمانان تاثیر بسزایی در پایان بخشیدن به این جنگ خانمانسوز خواهد داشت.

بهمن خسروی س - بزرگمهر



KAMALI  
B.P. 63  
92220 BAGNEUX  
CEDEX, FRANCE

## آموزش عالی در ایران

نوشته حاضر با استفاد از تجربیات یکی از دوستان ما که خود در طبقه مسائل حاضر و ناظر بوده، تهیه و تنظیم شده است.

امر خطیر تعلیم و تربیت و وضع آموزش و پرورش در میهن در ریند مان، تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی بسیار اسفبار می باشد. رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی که تنها مروج و مبلغ تاریخ اندیشی، جهل و خرافات است، مسلما با علم و فرهنگ و هنر دشمنی آشتی - ناپذیری دارد؛ در نتیجه مراکز علمی و فرهنگی کشور مان بعد از آنکه زمانیکه از استقرار رژیم اسلامی گذشت، مورد یورش و حشیا نه ترین حملات واقع گردید و سانسور و خفقان بینظیری تحت عناوین گوناگونی آغاز گشت. در این نوشته وضع آموزش عالی و دانشگاه های کشور مان مورد بررسی قرار میگیرد و برداختن به چگونگی سایر دوره های آموزشی به فرصتی دیگر موکول میگردد.

### "بازگشایی دانشگاهها"

علی رغم کوششهای فراوان گردانندگان رژیم و برنامه ریزیهای بسیاری که در جهت کنترل، "تصفیه" و "پاکسازی" گروهها و نیروهای آزاد یخواه و مخالف در دانشگاهها صورت گرفت، ولی پس از گذشت حد و حد و سال و نیم از فاجعه "انقلاب فرهنگی" این طرح عملا بهمن بست رسید. البته باید گفت رژیم از یکطرف به علت نیاز شدید به افراد تحصیل کرده و متخصص برای اداره امور و از طرف دیگر برای اینکه در سطح داخلی و بین المللی

خود را علاقمند و طرفدار علم و دانش جلوه دهد، تصمیم به بازگشایی دانشگاهها را گرفت. همچنین یکی دیگر از علل این سیاست بازگشایی را میتوان رهایی ازین بسط مشکلات موجود در این زمینه و سرگرم و کنترل کردن تعداد کثیری از جوانان و فروکش نمودن پاره های از اختلافات و اعتراضات دانست. خمینی که زمانی گفته بود:

"برای بوجود آوردن دانشگاه جدید با موازین اسلامی ۴۰۰ سال وقت لازم است."

بنابراین اقدامات مشاوران خویش در جهت تثبیت موقعیت متزلزل رژیم فتوی های تازه ای صادر نمود:

"باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر کشور بوجود آید و شورای فرهنگی با کمک مستضعفان و دانشمندان دانشگاهها را بکار اندازد." (اطلاعات ۱۵/۶/۶۱)

و بدین ترتیب سایر مسئولین رژیم نیز در مورد لزوم و ضرورت گشایش دانشگاهها داد سخن راندند. و در جهت اجرای مقاصد خود با معیارها و موازین جدید جنجال بازگشایی دانشگاهها را برآه انداختند. تعطیلی رسمی دانشگاهها که در تاریخ ۱۵ خرداد ۵۹ صورت گرفته بود، به پایان رسید. در چند و بد بهمن ماه سال ۶۰ ابتدا تعدادی از دانشجویان ترم آخر دعوت به ثبت نام شدند. اما باز شدن مجدد دانشگاهها و مدارس عالی بطور سراسری در دیماه و بهمن ماه سال ۶۱ صورت گرفت. این دوره و شویوه هایی که رژیم برای انتخاب دانشجویان بکاربرد و میبرد، ماهیت ضد مردمی رژیم

خمینی را عیانتر میسازد. بازگشایی دانشجویان شامل مراحل مختلف بود. در نیمسال دوم ۶۱ حد و ادوایل آن زمانه از طریق رسانه های گروهی اعلام شد که کلیه دانشجویان برای ثبت نام به دانشگاههای مربوطه مراجعه نمایند. "هفت خوان" ورود به دانشگاهها آغاز شد و شامل مراحل زیر بود:

### تفتیش عقاید

- مرحله اول، شامل پرس کردن پرسشنامه ای ۸ صفحه ای برای کلیه دانشجویان بود. در ذیل نمونه هایی از سئوالات پرسشنامه مذکور آورده میشود:
- ۱- نظر خود را راجع به "انقلاب اسلامی" و "انقلاب فرهنگی" بنویسید.
- ۲- فعالیت های صنفی و سیاسی خود را قبل و بعد از "انقلاب" در دانشگاه و سایر محیط های اجتماعی شرح دهید.
- ۳- نام ۲ تن از دوستان صمیمی و ۲ تن از دوستان هم رشته ای خود را که شماره دقیقاً می شناسند با ذکر آدرس بنویسید.
- ۴- مشخصات افراد خانواده متان را به طور دقیق و کامل شرح دهید.
- ۵- نظرتان را راجع به گروه های مختلف بنویسید.
- ۶- آیا بنظر شما باید به تمام دانشجویان اجازه ورود به دانشگاه را داد یا خیر؟
- ۷- آیا از اقوام رجهیک یا افراد فامیل شما کسی "شهید" شده است، نام ببرید.
- ۸- آیا از اقوام رجهیک یا افراد فامیل شما کسی زندانی است یا بوده و آزاد شده، نام ببرید.